

من میرسونمت

یک شب که باران شدیدی میبارید پرویز شاپور از شاملو پرسید : چرا اینقدر عجله داری ؟ شاملو گفت : می ترسم به آخرین اتوبوس نرسم . پرویز شاپور گفت : من میرسونمت . شاملو پرسید : مگه ماشین داری ؟ شاپور گفت : نه ! اما چتر دارم !..

باید باغِ خودت را پرورش دهی به جای اینکه
منتظر کسی باشی تا برایت گل بیاورد.
یاد میگیری که میتوانی تحمل کنی
که محکم باشی پای هر خداحافظی
یاد میگیری که خیلی می‌ارزی. خورخه لوییس بورخس